واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید.

محرم از نگاه رهبر معظم انقلاب

پروردگارا! تو را به حسین و زینب علیهماالسّلام قسم می‌دهیم که ما را جزو دوستان و یاران و دنباله‌روان آنان قرار بده. پروردگارا! حیات و زندگی ما را زندگی حسینی و مرگ ما را مرگ حسینی قرار بده. پروردگارا! امام بزرگوار ما را که به این راه هدایتمان کرد، با شهدای کربلا محشور کن. شهدای عزیز ما را با شهدای کربلا محشور کن.

۱۳۷۴/۰۳/۱۹

نگاه

گفت‌وگوی «شهروند» با مصطفی محسن‌زاده واکنش‌های مختلفی را در پی داشت

گزارش یک بازتاب

محسن‌زاده به «شهروند» گفته بود: حرف ما فارغ از مسائل روزمان نیست، ما نوحه می‌خوانیم در بستر زمانی خودمان؛ حرف دل مردم را می‌زنیم. ما بلندگوهای مکتب عاشورا هستیم، ما پیام‌رسانان این واقعه هستیم، باید بدانیم از این بلندگو چه حرفی را بایستی زد

شهروند| ناگفته‌های مصطفی محسن‌زاده نوحه‌خوان یزدی از هیأت متفاوت شهر و نوحه‌خوانی‌هایش در گفت‌وگو با روزنامه شهروند بازخوردهای بسیاری در فضای مجازی داشته‌است. در این گفت‌وگو که روز چهارشنبه ۲۱ شهریورماه، مصادف با دوم محرم منتشر شد، مصطفی محسن‌زاده به بیان توضیحاتی در خصوص انتخاب اشعار و نوحه‌الله‌الله که با قضاوت‌های بسیاری روبه‌رو شده، پرداخت. این نوحه‌خوان یزدی با تاکید بر عدم وابستگی به جریان‌های سیاسی به «شهروند» گفت: «من همیشه تمام تلاشم این بوده که به هیچ جریان سیاسی وابسته نباشم، چه از لحاظ کلامی و چه رفتاری. به‌طور کلی هم آدم سیاسی به معنای امروزی نیستم و مسائل سیاسی و جناحی را دنبال نمی‌کنم.» محسن‌زاده در مورد نوحه‌الله‌الله هم به «شهروند» گفت: «من سال ۹۳ کار الله الله را به آهنگسازی و همخوانی سروش رحمانی و شعر محمدعلی کریمی اجرا کردم. اما سال بعد یعنی سال ۹۴ کار الله الله از صدای آمریکا پخش شد و پس از این پخش بود که قضاوت‌ها بالا گرفت و گفتند حتما حرفی ضدنظام مطرح شده که این شبکه آن را پخش کرده! در صورتی که برخلاف تمام نوحه‌هایی که تا آن روز خوانده شده بود، این نوحه خدا را مخاطب قرار داده بود و از صلح و دوستی و عشق و پایان جنگ و خونریزی و در نهایت امام زمان(عج) سخن می‌گفت. اما مورد بی‌مهری برخی افراد قرار گرفت.»

واکنش‌ها در فضای مجازی ادامه دارد

نخستین واکنش‌ها نسبت به این گفت‌وگو در فضای مجازی صورت گرفت. برداشت کاربران فضای مجازی از گفته‌های مصطفی محسن‌زاده ممنوع شدن از کار بود. اختلاف نوحه‌خوان یزدی با هیأت امنای هیأت کوچه بیوک و خروج دو مداح معروف از این هیأت، به این شایعه دامن زد. روزنامه آفتاب یزد و خبرگزاری جماران رسانه‌هایی هستند که در ادامه به این شایعات و گفت‌وگوی روزنامه شهروند پرداختند. محسن‌زاده درباره دلیل قطع همکاری با هیأت کوچه بیوک به روزنامه آفتاب یزد توضیحاتی داد: پس از استعفای اعضای هیأت امنای ما و آمدن فرد جدید از آنجایی که ما با آن همسو نبودیم باوجود دعوت از من و سروش رحمانی تصمیم گرفتیم برای همکاری از آن مجموعه جدا شویم. هیأت «آبشور» هم از گروه ما دعوت کردند که در آنجا نوحه‌خوانی کنیم که ما هم قبول کردیم.

پخش مستند نغمه‌های حسینی از تلویزیون

در ادامه صداوسیما نیز با پخش مستندی با عنوان نغمه‌های حسینی به گفت‌وگوی «شهروند» با مصطفی محسن‌زاده واکنش نشان داد. روزنامه هفت صبح و روزنامه سازندگی نیز روز گذشته در گزارشی از برگزاری عزاداری در شهر یزد به این گفت‌وگو واکنش نشان دادند.

عادلانه قضاوت کنیم!

واکنش‌ها در مورد گفت‌وگوی «شهروند» هنوز در رسانه‌های رسمی و غیررسمی ادامه دارد؛ واکنش‌هایی با قضاوت‌هایی بسیار؛ مثبت‌ومنفی. بعضی از نوحه‌های قرائت شده تلقی مفاهیم جناحی دارند و بعضی آن را نامربوط به واقعه عاشورا می‌دانند. ما قضاوت را می‌گذاریم به عهده مخاطبانی که به دور از هر نگاه جناحی به این نوای عاشورایی گوش دادند. در پایان مروری کنیم بر این چند خط که نقل قولی از این نوحه خوان یزدی در گفت‌وگو با «شهروند» است: حرف ما فارغ از مسائل روزمان نیست، ما نوحه می‌خوانیم در بستر زمانی خودمان؛ حرف دل مردم را می‌زنیم. ما بلندگوهای مکتب عاشورا هستیم، ما پیام‌رسانان این واقعه هستیم، باید بدانیم از این بلندگو چه حرفی را بایستی زد.

درنگ

شاعری در راه دلدادگی

هلیا منشاری | مرحوم تاج‌الشعرا ۲۷ تیر سال ۱۲۸۰ ه.ش در اردبیل در خانواده‌ای مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت دیده به جهان گشود. چشمه شعر در مرحوم تاج‌الشعرا در ۱۳ یا ۱۴ سالگی جوشیدن آغاز کرده و تخلص احقر را برای خود انتخاب کرد. وی برای مطالعه وقت زیادی صرف می‌کرد، کتابخانه شخصی تاج‌الشعرا مشتمل بر ۶۰۰ یا ۷۰۰ جلد کتاب و اکثرا از نوع چاپ سنگی بود. سرانجام ماه‌ها مطالعه تاج‌الشعرا یک شعر بود که از دل آن مطالعات بیرون می‌آمد، آن هم شعری که شاهکار ادبی به شمار می‌آمد. در طول حیات مرحوم تاج‌الشعرا، چهار کتاب از ایشان به چاپ رسید، بساط کربلا، اسرار عاشورا، پرچم عزا و آخرین آثار.

در این چهار کتاب حدود ۳۶۰ قطعه شعر از تاج‌الشعرا آمده است. موارد فراوانی از اخبار روایات و احادیث در اشعار تاج‌الشعرا به چشم می‌خورد که نشان از آشنایی کافی وی با منابع قرآنی و اخبار و احادیث دارد. مرحوم تاج‌الشعرا صحنه‌های کربلا و عاشورا را گویی دیده و درباره آنها شعر گفته، این امر نشان از حد اعلای عنصر خیال در اشعار او دارد. در میانه‌های عمر او در سال ۱۳۳۰ لقب تاج‌الشعرا به صورت خودجوش از طرف ادبا و شعرا به ایشان اطلاق شد.

اشعار تاج‌الشعرا در عین حال که مملو از قواعد عرفانی و صنایع ادبی است، قابل فهم و درک برای عوام مردم نیز هست و بر دل خواص و عوام می‌نشیند. تاج‌الشعرا در زمان کنونی مورد توجه توسط مسئولان قرار گرفته است و در شهر اردبیل میدانی به نام وی اختصاص یافته و تندیس باشکوه وی که به دست هنرمند برجسته استاد ودود مؤذن ساخته شده بود، در این میدان نصب شد و دانشکده ادبیات تاج‌الشعرا یحیوی هم به مرکز علمی دانشگاه محقق اردبیلی اضافه شد.

ای باتدی، صبح آچیلدی، زینب نوایه گلدی زهرا دئدی حسین وای، عالم صدایه گلدی*

بازخوانی تأثیر مکتب حسینی در ۸ سال جنگ تحمیلی به مناسبت همزمانی ایام محرم و هفته دفاع مقدس

آزادگان عزادار

مروری بر خاطرات آزادگان در ایام محرم

شهروند| ماه محرم از دیرباز در میان مردم ایران از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. نشانه‌های ارادت و علاقه مردم ایران به مکتب عاشورا را می‌توان در تمام ادوار تاریخ دید.

تاجایی که رزمندگان اسلام در طول ۸ سال دفاع مقدس نیز با یاری از رمز و رموز قیام امام حسین(ع) جلوه‌های ماندگار از حماسه و ایثار خلق کردند و بسیاری از عملیات‌ها نیز با رمز «یا حسین» انجام شد. این در حالی است که آزادگان ایرانی نیز در زمان اسارت محرم، عاشورا و عزاداری برای سیدالشهدا را فراموش نمی‌کردند تا جایی که برای این کار سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کردند.

اصلا مگر می‌شود از ۸ سال جنگ تحمیلی دم زد و از آن دوره گفت، ولی از صحرای کربلا حرفی نزد؟ قرائت زیارت عاشورا و سینه‌زنی برای امام حسین (ع)، داستان هر روز و هر شب رزمنده‌ها بود. اصلا از نشانه‌های یک رزمنده، سربندی بود با نام سالار شهیدان. شما نمی‌توانید راوی آن روزها باشید و از شور و شوق حسینی رزمندگان حرفی نزنید. در آن دوران هر گوشه‌ای از شهر نشانه‌ای از دلدادگی، سوگواری و عزاداری سالار شهیدان داشت؛ نگاه‌هایتان به هر کجا که خیره شود، بیرق سیاه و چشم‌های ماتم‌زده آدم‌هایی را می‌بینید که عاشقانه به سوگ نشسته‌اند، اما در جبهه‌ها داستان این دلدادگی متفاوت‌تر بود؛ سربند یاحسین، خاکریز، سنگر و نوای آهنگران یادگاری‌های آن دوران بود؛ فرهنگ عاشورا و قیام امام حسین (ع) ریشه بود، ریشه‌ای که در جبهه تنیده شده بود؛ همین فلسفه، بی‌شک همین فرهنگ و همین ریشه بود که حماسه دفاع مقدس را آفرید.

اسم‌ها، نشانه‌های دلدادگی

«نهضت ماندگار حسینی» بهترین عنوان برای بیان شور و شیدایی آن دوران است. اسم‌ها و نام‌ها هم همین را بیان می‌کنند. سربندها و حسینیه‌ها و سنگرها مزین به نام اباعبدالله بود؛ اسم شب، اسم عملیات همه حکایتی از وادی دلدادگی داشت. به‌طور مثال نام برخی از لشکرها، تیپ‌ها و گردان‌های دوران دفاع مقدس عبارتند از لشکر سیدالشهدا، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ثارالله، لشکر انصارالحسین (ع)، لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، تیپ ٤٤ قمر بنی‌هاشم؛ تیپ ۵۷ ابوالفضل. تیپ ٦١ محرم، گردان علی‌اکبر، گردان ۱۰ سیدالشهدا، گردان حبیب ابن مظاهر و..... در بخش محورهای عملیاتی همین موضوع صدق می‌کرد: «محور کربلا، محور عاشورا و محور امام حسین(ع)» نام‌ها عاشورایی بود، سربازان حسینی. «کیلومترشمار کربلا» نشان دیگری از این فرهنگ عاشورایی در جبهه جنگ به‌شمار می‌آمد. یک تابلو که اگرچه به ظاهر فاصله زمینی و مکانی را بیان می‌کرد، اما در ژرفای خود یک پیام از حرکت مقدس رزمندگان در مسیر آزادگی داشت؛ پیام آزادگی. حماسه‌ای که در دوران دفاع مقدس تبلور دیگر یافت. حماسه حق‌طلبی، آزادگی و خداجویی.

سوگواران دربند

«ما را سربازان حسینی می‌خواندند، آزادگی را از سالار شهدا آموخته بودیم، از کودکی هر محرم بیرق سیاه بر تن می‌کردیم به عزای امام حسین(ع) می‌نشستیم و حالا در اسارت هم نمی‌توانستیم آن شیدایی را که آموخته بودیم، فراموش کنیم. اینها بخشی از صحبت‌های یک آزاده است؛ بخشی از روایت یک آزاده از روزهای محرم در دوران اسارت. «شهروند» به بهانه مقارن‌شدن ایام محرم با هفته دفاع مقدس در ادامه به بازخوانی تعدادی از خاطرات آزادگان در دوران اسارت و ایام محرم پرداخته است.

بخشی از روایت آزاده سلام‌الله کاظم‌خانی

ماه محرم که فرا می‌رسید حس و حال حسینی به اسرا دست می‌داد و هوای ماتم و عزا، فضای آسایشگاه را فرا می‌گرفت. در طول ۳/۵ سال اسارت یک شب مراسم سوگواری و عزاداری برای امام حسین(ع) برگزار شد که البته آن هم به طور مخفیانه بود. متوجه شدند و فردای آن روز عزاداران حسینی در اردوگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند. ناگفته نماند این ضرب‌وشتم‌ها چند روز طول کشید و ما را به این کار مشغول کردند تا عزاداری نکنیم. یک نفر از رزمندگان مداحی می‌کرد و مابقی اسرا سینه‌زنی می‌کردند و در سوگ امام حسین(ع)، اهل‌بیت و یاران باوفایش اشک ماتم می‌ریختند. جالب است بدانید پس از تعطیلی مراسم عزاداری از سوی رژیم بعث، تجمع بیش از دو نفر در آسایشگاه و محوطه حیاط اردوگاه ممنوع بود و هر گاه سه تا چهار نفر تجمع می‌کردند، سربازان عراقی اظهار می‌کردند که متفرق شوید. رزمندگان و اسرا به تنهایی دعای پرفیض زیارت عاشورا را قرائت می‌کردند و با خدای بزرگ و مهربان به راز و نیاز می‌پرداختند و در غربت و در سکوت درون امام حسین(ع) را صدا می‌زدند.

اصلا مگر می‌شود از ۸ سال جنگ تحمیلی دم زد و از آن دوره گفت، ولی از صحرای کربلا حرفی نزد؟ قرائت زیارت عاشورا و سینه‌زنی برای امام حسین(ع)، داستان هر روز و هر شب رزمنده‌ها بود

بخشی از روایت آزاده علی اصغر رباط جزی

در اردوگاه وقتی می‌خواستیم عزاداری کنیم از دو سه روز قبل از عزاداری به ما یک آمپولی تزریق می‌کردند که در اثر آن بیمار و بی‌حس می‌شدیم؛ به طوری که اصلا نمی‌توانستیم تکان بخوریم. اسم این آمپول را ما گذاشته بودیم «آمپول محرم». با این حال و با همه مصایب، مراسم عزاداری محرم را به هر نحو ممکن برگزار می‌کردیم، به‌ویژه که در اردوگاه اعتقاد داشتیم نهضت محرم و مراسم عزاداری آن، نعمتی است که خداوند به ما عنایت فرموده‌است.

بخشی از روایت آزاده کاظم خسروی

در تاریخ ۴ اسفندماه سال ۶۲ در ۲۱ سالگی در عملیات خیبر در منطقه هور الهویزه اسیر شدم که اسارت من به مدت ٦ سال و نیم طول کشید. طی دوران اسارت به جز سال آخر اسارتم هیچگاه اجازه نداشتیم در ماه محرم عزاداری کنیم. در دوران اسارت عزاداری را برای ما ممنوع کرده بودند و روزهای عاشورا و تاسوعا حتی آب را بر روی ما می‌بستند. در ایام عزاداری محرم نیروهای عراقی برای جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری واکسنی را به دست اسرا می‌زدند که باعث ورم و درد دست می‌شد تا این درد دست مانع از سینه‌زنی و عزاداری شود. با وجود این، همیشه دنبال فرصتی برای عزاداری بودیم، اگر چه حتی اجازه این که گوشه‌ای بنشینیم و در خلوت خود برای امام حسین(ع) عزاداری کنیم را نداشتیم. اکنون ما باید قدر نعمت‌های خود را بدانیم و با توجه به این که هیچ محدودیتی برای عزاداری امام حسین(ع) نداریم، در عزاداری‌ها شرکت کنیم.

نقش فرهنگ محرم و عاشورا در دفاع مقدس

هشت سال دفاع مقدس ملت ایران و رزمندگان در امتداد نهضت عاشورا و مکتب سرخ شهادت رقم خورد. پیام شهدا و عمل شهدا بهترین نشان برای درک این موضوع است. باید وصیتنامه‌ها، نوشته‌ها و خاطرات شهدا، همچنین تابلوهای جبهه و جنگ، اسامی اماکن، مقرها، سنگرها، مناطق عملیاتی و محورها، لشکرها، گردان‌ها، گروهان‌ها و علی‌الخصوص عملیات‌ها و رمز عملیات‌ها و شعرها و شعارهای جنگ را مطالعه و بررسی کرد. با درک این مصادیق و آثار به‌جا مانده از دفاع مقدس می‌توانیم به درک این موضوع برسیم. در ادامه «شهروند» به بازخوانی تعدادی از این وصیتنامه‌ها نیز پرداخته است.

وصیتنامه شهید بهنام خرم‌بخت

خدایا! تو را به حسین قسم می‌دهم که ما را از فیض شهادت محروم نفرما. پدر و مادرم از شما می‌خواهم که بعد از شهادت من برای من گریه نکنید، بلکه به مظلومیت آقا اباعبدالله الحسین(ع) در روز عاشورا فکر کنید. دوستان، آشنایان و دانش‌آموزان شما را به شهدای کربلا قسم می‌دهم که یک لحظه از فرهنگ جهاد و شهادت و امر به معروف و نهی از منکر غافل نباشید که اگر خون شهدای کربلا و پیام زینب(س) نبود، امروز اسلام و قرآن در عالم پیشرفت نمی‌کرد. در پایان از همه شما حلالیت می‌خواهم و از شما تقاضا دارم که امام عزیز را تنها نگذارید.

وصیتنامه شهید محسن پورقاسمی

کسانی که به ولایت امام اعتقاد ندارند بر جنازه من حاضر نشوند. سلام مرا به رهبر عزیزم، پدر یتیمان برسانید و به خانواده شهدا بگویید که تا آخرین قطره خونمان صحنه‌های نبرد حق علیه باطل را ترک نخواهیم کرد و با خداوند پیمان می‌بندیم که در تمام عاشورا و کربلاها، حسین(ع) زمان را تنها نگذاریم و سنگرها را خالی نخواهیم کرد و تا هنگامی که پرچم لااله‌الاالله در تمام جهان به اهتزاز درنیاید و احکام اسلام و قرآن در زیر پرچم توحید و اسلام به اجرا درنیاید، ساکت نخواهیم نشست.

وصیتنامه شهید حمید شهیدی

امشب شب یازدهم عاشورای حسینی است و اگر خدا توفیق بدهد، من چند روز دیگر عازم جبهه جنگ یعنی آماده جهاد در راه خدا و اسلام هستم. البته اگر لیاقت آن را داشته باشم که در راه اسلام جان بی‌ارزش خود را فدا کنم. من این راهی را که انتخاب کرده‌ام با دل و جان بوده، به همین خاطر دلم می‌خواهد که اگر قابلیت آن را داشتم و به درجه رفیع شهادت نایل آمدم، نکاتی را ذکر کنم که برای شادی روح من این نکات را انجام بدهید.